



ما هم اجازه استفاده از سلاح سنگین را نداشتیم و مجبور بودیم برای پاکسازی یک کوچه ۲۰ تا ۳۰ نفر از نیروهایمان را ازدست دهیم. کار را از کامیاران شروع کردیم و برای پاکسازی کامیاران نزدیک به ۱۲ روز به صورت شبانه روزی جنگیدیم.

مکان فرود هواپیما وجود نداشت

سرانجام وقتی نوبت به پاک سازی سنندج رسید تنها راه پیش رو برای ورود به شهر، فرودگاه سنندج بود اما امکان فرود هواپیما وجود نداشت چون به محض نشستن توسط ضد انقلاب مورد حمله قرار می گرفت. به هر طریق همراه تعدادی از پیشمرگان و دیگر سپاهیان از طریق دو بالگرد وارد فرودگاه شدیم و پس از درگیری سنگین با ضد انقلاب و تقدیم تعداد زیادی شهید دشمن را مجبور به عقب نشینی از فرودگاه کردیم. صبح فردا یک هواپیما نیرو از اصفهان در فرودگاه سنندج به زمین نشست و تازه کار پاکسازی شهر و روستاهای اطراف آغاز شد. سقزی یادی هم از یکی از همزمانش در نبرد پاکسازی سنندج می کند و می گوید: سرلشکر رحیم صفوی در آن عملیات مسئول یکی از گروه ها بود و من هم مسئول عملیات های نامنظم، به محض فرود هواپیمای حامل نیرو در فرودگاه هر گروه به همراه یک بلد کرد راهی مناطق مختلف شدند.

تپه های آبدیر، کرباسی، سنگ سیاه و ... اکبر اهداف اصلی بودند. تپه ها یکی پس از دیگری آزاد می شدند اما در آزادسازی تپه ا ... اکبر موفق نبودیم .

در همان روز ۲۰۰ نفر از نیروهای سپاه در تپه ا ... اکبر به خاک و خون کشیده شدند. سرانجام اما بعد از ۲۱ روز جنگ با اتفاقات تلخی که

برایمان به همراه بود توانستیم سنندج را از دست ضد انقلاب خارج کنیم و پس از آن به سمت روستاهای اطراف شهر حرکت کردیم.

مردم تصور بدی از سپاه داشتند و ما را نفرین می کردند!

کار برای سقزی و هم رزمانش تازه پس از پاکسازی سنندج آغاز شده بود. در دوره ای که تبلیغات گسترده و منفی ضد انقلاب علیه سپاه پاسداران تصویری خشن و به دور از واقعیت از سپاهیان در ذهن مردم کرد ساخته بود باید نظم و امنیت شهر را در دست می گرفتند. او در تشریح حال و هوای آن روزهای کردستان می گوید: اوضاع اصلا خوب نبود. مردم تصور بدی از سپاه داشتند، ما را نفرین می کردند و از ما متواری بودند. به خصوص ما کردهای اهل سنت را که به عضویت سپاه درآمده بودیم به چشم وطن فروش و خائن نگاه می کردند. چند صبحی طول کشید تا توانستیم چهره خوب و واقعی سپاه را به مردم نشان دهیم. در اولین اقدام نماز جمعه را در مساجد شهر و روستاها برگزار می کردیم و با رفتار خوب سعی در جذب مردم داشتیم. کار به جایی رسید که سازمان پیش مرگان کرد مسلمان که هنگام پاکسازی سنندج تنها ۶۰ نفر نیرو داشت پس از به دست گرفتن قدرت با سیل داوطلبان روبرو شد و در مدت کوتاهی ۲۰۰ نفر به عضویت سازمان درآمدند.

در کردستان کسی که در شهر با ما سلام و احوال پرسی می کرد از پشت سر به رگبار می بستمان

اشک در چشمان حاج احمد سقزی حلقه می زند ولی غرور مردانه و کرد بودنش اجازه گریه به او نمی دهد. تنها می گوید: برای مردم بنویسید جنگ کردستان با آنچه در جبهه های جنوب اتفاق می افتاد خیلی متفاوت بود. در جبهه های جنوب دشمن رو در رو می جنگید و رزمندگان دشمن شان را می شناختند. اما در کردستان کسی که در شهر با ما سلام و احوال پرسی می کرد از پشت سر به رگبار می بستمان و تا لحظه شهادت هم کسی نمی فهمید که آیا همسایه اش ضد انقلاب است یا انقلابی. تازه وقتی خونس به زمین ریخته می شد مشخص می شد اوضاع از چه قرار بوده است. او با صراحت می گوید: دشمن می خواست در کردستان کاری کند تا با شروع جنگ، لشکر عراق از طریق کردستان راهی تهران و دیگر شهرها شوند. ما جلوی فتنه را گرفتیم و با فتنه ای مقابله کردیم که اگر فرصت رشد پیدا می کرد انقلاب مان را هم از بین می برد.

تنها زمانی موفق به نبرد در جبهه های جنوب شدم که

غائله کردستان آرام گرفت

از روزهای جنگ ایران و عراق و حمله صدامیان به کردستان که می پرسم می گوید: ظهر ۳۱ شهریور ماه بود، سنندج پاکسازی شده بود و شهید هلالی مشغول صحبت برای رزمندگان بود. به ناگاه صدای غرش هواپیماهای عراق خبر از حمله به خاکمان دادند. آری فرودگاه سنندج مورد حمله قرار گرفته بود و از این به بعد باید علاوه بر مبارزه با ضد انقلاب با ارتش عراق هم می جنگیدیم. به هرحال برای ما حضور در کردستان و پاسداری از کردستان مهم تر از حضور در جبهه های جنوب بود. به همین دلیل تنها زمانی موفق به نبرد در جبهه های جنوب شدم که غائله کردستان آرام گرفت و پس از آن بود که به حلبچه رفتم. وی در آخر می گوید: ما تا پای جان پای انقلاب و رهبران ایستادیم و بعد از این هم خواهیم ایستاد. ما عاشق این مرز و بوم و نظام و رهبری هستیم و مسئولان هم باید بدانند سازمان پیش مرگان مسلمان باید هم چنان قوی باقی بماند. چراکه دشمن هیچ گاه از کردستان و اختلافاتی که ممکن است در بین مردم ایجاد شود غفلت نمی کند و از کوچک ترین موقعیتی سوءاستفاده می کند. لذا جا دارد مسئولان از کردهای اهل تسنن انقلابی در جایگاه های بالا استفاده کنند نه این که با بی تدبیری باعث گرایش جوانان غافل به سمت گروه های سلفی و طالبانی شوند. امریکا مدتی است بر روی تقویت تفکرات سلفی گرایانه در کردستان کار می کند و از سوی دیگر مسئولان هیچ توجهی به کردهای انقلابی ندارند. او در پایان نگاهی به پسرش که می گوید بعد از گذشت ۷ سال از تشکیل خانواده اش هنوز شغلی ندارد می اندازد و می گوید: وقتی این پسر عاقبت مرا می بیند چگونه می توان از او برای مقابله با تجاوزات احتمالی ضد انقلاب که ممکن است دوباره جان بگیرند انتظاری داشته باشیم. به عقیده من مهم ترین کار در کردستان سپردن مسئولیت های کلیدی به مردمان همین سرزمین است. مردمانی که برای حفظ آب و خاک شان از جان مایه گذاشتند.